

بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن

حسین مسعودنیا*

استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

حسین توسلی

کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

چکیده

جنبش الحوثی‌ها چندین سال است که منطقه را تحت شعاع خود قرار داده است. این جنبش در حالی صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد عوامل داخلی و خارجی در به وجود آمدن آن دخیل است. در کنار عوامل داخلی و خارجی، آموزه‌های مذهبی زیدیه نیز در شکل‌گیری این جنبش تأثیرگذار بوده است. ترس آمریکا و کشورهای منطقه به خصوص عربستان سعودی از شکل‌گیری یک جنبش بنیادگرا در یمن قابل تأمل است. از سوی دیگر جنگ‌های این جنبش با دولت یمن از سال ۲۰۰۴ تا آخرین آن که در سال ۲۰۱۰-۲۰۰۹ رخ داد منجر به وجود آمدن یک بحران داخلی در یمن شده است و دخالت‌های کشورهای غربی و همسایه در تشدید این بحران مؤثر بوده است. این مقاله در صدد است تا خوانندگان خود را با اوضاع داخلی یمن آشنا کند و از سوی دیگر عواملی که منجر به ظهور جنبش الحوثی‌ها شده است را توضیح دهد. چهارچوب نظری پژوهش، تئوری دکمجیان پیرامون شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسلام، یمن، زیدیه، جنبش الحوثی

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۶/۳۰

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: hmass2005@yahoo.com

۱- مقدمه

جنبش الحوثی‌ها از سال ۲۰۰۴ جنگ‌های خود را با دولت یمن آغاز کرده است و تاکنون ۶ جنگ را با این دولت انجام داده است. تداوم منازعه میان الحوثی‌ها و دولت یمن این موضوع را به یکی از موضوعات مهم منطقه تبدیل کرده است. موضوعی که به دلیل ماهیت جنبش و تهدید موقعیت استراتژیک یمن، سبب نگرانی دولت‌های منطقه و فرا منطقه‌ای گردیده است. اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن نظر است که با توجه به شیعی بودن این جنبش و ترس کشورهای منطقه از روی کار آمدن دولت شیعی دیگر در منطقه، نگرانی‌هایی در بین کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی به وجود آمده است. به همین خاطر آنها با دخالت‌های خود در امور داخلی یمن، سعی در مهار این جنبش دارند. نگرانی عمده این کشورها، به دلیل الگوی شدن نحوه حکومت جمهوری اسلامی ایران برای سایر کشورها است. قطع وابستگی به قدرتهای خارجی، حمایت از محرومان و مستضعفان و به کار بستن احکام دینی در جامعه از جمله ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است. این ویژگی‌ها از جمله خواسته‌های جنبش الحوثی می‌باشد.

این جنبش تأثیرات بسیار زیادی در حوزه داخلی و در عرصه بین‌المللی برجا گذاشته است. دولت یمن درصدد این است که این جنبش را سرکوب کند و یا به نوعی این بحران داخلی به وجود آمده در یمن را، حل و فصل کند اما عدم توجه دولت یمن به خواسته‌ها و اهداف این جنبش باعث طولانی شدن روند این بحران داخلی شده است. لذا با توجه به چنین پیشینه‌ای محور اصلی پژوهش حاضر را این سوال تشکیل می‌دهد که علل شکل‌گیری جنبش الحوثی در یمن چه بوده است و آیا این جنبش بر اساس تئوری دکمجان، ویژگی‌های جنبش‌های اسلامی را دارا می‌باشد؟ هدف از نگارش پژوهش حاضر پاسخ به سوال مطرح شده با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، با بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد.

۲- یمن و حکومت امامان زیدیه

یمن در جنوبی‌ترین بخش شبه جزیره عربستان سعودی قرار گرفته است و در حدود ۱۸ میلیون جمعیت و ۲۰ استان دارد. پایتخت این کشور صنعا است. مردم یمن از اقوام سامی و

عرب قحطانی هستند. عرب قحطانی مادر و ریشه عربیت است که عربها را بدان منسوب می کنند. (علامه مظفر، ۱۳۶۸: ۲۰۱) البته در بخش جنوبی این کشور مهاجرانی از کشورهای هندوستان، سومالی و پاکستان حضور دارند. مردم یمن در ۱۴۰۰ سال پیش، همزمان با شروع دعوت پیامبر، در زمان حیات حضرت، به اسلام گرویدند. به همین خاطر دین رسمی آنها، اسلام است. اکثریت جمعیت آنها، از شیعیان زیدیه و شافعی مذهبان تشکیل شده است. شیعیان زیدیه بیشتر در نواحی کوهستانی در یمن شمالی سکونت دارند. شافعی ها نیز، اکثریت مردم جنوب را تشکیل می دهند. در بخش جنوبی یمن تنها در حدود ۷ الی ۸ هزار نفر شیعه زندگی می کنند که بیشتر در استان عدن هستند. (کریملو، ۱۳۷۴: ۳۳) در کنار این دو فرقه، اقلیت مسیحیان و یهودیان نیز در این کشور زندگی می کنند.

یکی از افتخارات یمنی ها این می باشد که به وسیله حضرت علی (ع) به اسلام گرویدند. پیامبر برای نخستین بار یکی از یاران دانشمند خود، معاذ بن جبل را رهسپار یمن ساخت، تا ندای توحید و اصول آیین اسلام را، برای مردم یمن تشریح کند. معاذ بن جبل با آنکه به کتاب و سنت پیامبر احاطه داشت، نتوانست به سوالی که از وی درباره حقوق شوهر بر همسر، پرسیده بودند، پاسخ کافی دهد. از این جهت، پیامبر تصمیم می گیرد شاکرد ممتاز مکتب خود، حضرت علی (ع) را روانه یمن سازد تا به وسیله ایشان اسلام در این منطقه گسترش یابد. (آیت الله سبحانی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۵۳) گذشته از این خالد بن ولید، چندی پیش از حضرت از طرف پیامبر به یمن اعزام شده بود. خالد ۶ ماه در یمن ماند اما هیچ کس دعوت او را نپذیرفته بود. (صحیح بخاری، ۱۲۷۰ه، ج ۵: ۱۶۳) زمانی که حضرت علی (ع) به یمن اعزام شد، پیامبر دستور دادند که خالد و همراهانش بازگردند. با ورود حضرت علی (ع) به یمن، ایشان پس از حمد و ثنای خداوند، نامه پیامبر را برای مردم یمن خواندند. به دنبال آن همه مردم قبیله حمدان که از بزرگترین قبایل یمن بود، اسلام آوردند. (علامه مظفر، ۱۳۶۸: ۲۰۱)

حضرت علی (ع) مدتی را در میان مردم یمن به قضاوت و داوری مشغول شدند. موفقیت مردم یمن در تمسک به اسلام به دست حضرت علی (ع)، یکی از عوامل ولا و دوستی آنها نسبت به آن حضرت و علوی مذهب بودن آنان به شمار می آید. آن ها بعدها هم به یاری حضرت علی (ع) و شیعیان در مقاطع مختلف تاریخ از جمله جنگ صفین شتافتند.

مردم یمن پس از اسلام آوردن در صفوف مسلمانان با کفار جنگیدند. با شکل گیری مذهب زیدیه، در اوایل قرن سوم هجری، بخشی از مردم یمن به مذهب زیدیه گرایش یافتند. اولین

کسی که در یمن، مردم را به مذهب زیدیه دعوت کرد، یحیی بن حسین رسی علوی در قرن سوم هجری است. او از پیروان زید بن علی بود که از عراق به یمن کوچ کرد و در «صعده» اقامت کرد و در آنجا به نشر و ترویج این مذهب پرداخت. پس از مدتی از او به عنوان امام یاد می کردند. بدین ترتیب مذهب زیدیه در یمن نفوذ کرد. (علامه مظفر، ۱۳۶۸: ۲۱۳)

در اینجا لازم است توضیحاتی را در مورد آموزه های کلامی و سیاسی زیدیه داده شود. زیدیه به جنبش شیعیان طرفدار زید، پسر علی بن حسین (امام سجاد(ع)) اطلاق می شود. زید در ماه صفر ۱۲۲ هجری قمری بر ضد هشام بن عبدالملک، خلیفه اموی، قیام کرد. در این قیام زید کشته شد و بسیاری از پیروانش نیز به قتل رسیدند و جنبش او با شکست روبرو شد. (کریمان، ۱۳۶۴: ۲۵) زید بن علی دارای عقاید و اصولی بود که بر مبنای آنها مذهب زیدیه شکل گرفت. از جمله عقاید او این بود که شیخین (ابوبکر و عمر) امامان انتخابی، مشروع و بر حق بوده اند. گرچه حضرت علی (ع) بر آنها ترجیح داشت. (جعفری، ۱۳۷۲: ۲۹۴) در این رابطه زیدیه، نظریه امامت مفضول را مطرح می کنند. بر اساس این نظریه، حضرت علی (ع) افضل صحابه بود اما بنا به شرایط و مصالح آن دوران، از خلافت و امامت برکنار ماند. با این وجود خلافت ابوبکر و عمر، به عنوان امامت مفضول پذیرفتنی است. آن ها مجاز بودند که به منظور تامین منافع موقت و معین، حکمرانی کنند. (شهرستانی، ۱۳۳۵: ۱۱۳) زیدیه معتقد است با وجود شخص فاضل و برتر، تعیین شخص مفضول و فروتر به امامت جایز است. (نویختی، ۱۳۵۳: ۷۶) تاکید زید بن علی بر مشروع بودن خلافت دو خلیفه اول می کرد، منجر به اعتراضاتی شد و سرانجام موجب شد که شیعیان غیور و متعصب او را رها کنند. برخی افراد سوگند وفاداری خود را نسبت به زیدیه فسخ کردند و بیعت خود را با امام صادق(ع) تجدید نمودند. (طبری، ۱۳۴۶ ه، ج ۲: ۱۷۰۰)

نظریه مطلوب زیدیه، نظریه امامت است. امام زیدیه، باید از اولاد حضرت فاطمه (س) باشد و غیر از افراد این شجره طیبه از اولاد طهرات، کس دیگری نمی تواند امام باشد. در کنار این شرط برای امام، آنها معتقدند که امام باید عالم و زاهد و شجاع باشد و دعوی امامت کند. (شهرستانی، ۱۳۳۵: ۱۱۴) زید بن علی معتقد بود که امام می بایست هم از اعقاب حضرت فاطمه(س) باشد و هم اینکه امامت خود را آشکار کند و با «قیام به سیف» احقاق حق نماید. (جعفری، ۱۳۷۱: ۳۰۹) بنابراین امامی که قیام نکند و برای احقاق حقوق مسلمانان به پا نخیزد، از نظر مذهب زیدیه مشروع نیست.

برخی از مباحث کلامی و سیاسی زیدیه با مذهب تشیع دوازده امامی همخوانی ندارد. از جمله آنکه زیدیه، عصمت و نص الهی امام را قبول ندارد. با این وجود به دلیل قرابت فکری و مذهبی امامیه و زیدیه در مباحث امامت و همچنین مسائل اعتقادی (خاصه در باب توحید و عدل) و تأثیرپذیری هر دو گرایش از اندیشه‌های معتزلی، روابط و داد و ستد فرهنگی میان امامیه و زیدیه در طول تاریخی وجود داشته و علمای هر دو مذهب، از محصولات فکری و کلامی و فقهی و حدیثی مذهب مقابل، بهره می‌برده‌اند (انصاری قمی، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

با شکل‌گیری مذهب زیدیه، این مذهب تلاش نمود تا در سرزمین‌های اسلامی پیروانی یابد. بدین ترتیب مبلغان این مذهب سعی در نفوذ در سرزمین‌های مختلف نمودند. زیدیان در نیمه دوم قرن سوم هجری در شمال ایران و یمن دست به حکومت زدند. حکومت آنان در شمال ایران چندان دیری نپایید اما در یمن بیش از هزار سال دوام یافت. (خضری احمد، ۱۳۸۵: ۵)

یحیی بن حسن قاسم رسی در سال ۲۸۰ هجری در یمن پایه‌گذار حکومتی مستقل به نام شیعیان زیدیه شد. از آن پس تا دوران معاصر، یمن به ویژه بخش‌های شمالی آن به پایگاه‌های سنتی شیعیان تبدیل شده است. پس از وفات یحیی بن قاسم در سال ۲۹۸ ه.ق، دو فرزند او به نام‌های محمد و احمد ادامه‌دهنده راه پدر شدند. محمد به نفع برادرش احمد، از حکومت کنار رفت و احمد بن یحیی معروف به ناصر در سال ۳۰۱ ق به حکومت رسید. حکومت زیدیه پس از احمد ناصر در سال ۳۲۲ ه.ق رو به ضعف نهاد و بین فرزندان ناصر بر سر رهبری اختلاف افتاد. این اختلافات حدود شصت سال ادامه یافت تا اینکه در سال ۳۸۸ ه.ق المنصور بالله قاسم بن علی عیانی، از نوادگان قاسم رسی به امامت رسید. (فرمانیان و موسوی نژاد، ۱۳۸۶: ۸۴) بعد از وی فرزندش حسین بن قاسم ادعا کرد که همان مهدی بشارت داده شده است. برخی از قبایل یمن از جمله قبایل حمیر و حمدان با وی بیعت کردند و افکار وی را پذیرفتند. (موسوی نژاد، ۱۳۸۴: ۷۰)

در قرن پنجم هجری اسماعیلیان بر اغلب قلمرو حکومت زیدیه در یمن، تسلط یافتند. آخرین امام زیدیه در این دوران امام ناصر لدین الله ابولفتح دیلمی بود که در سال ۴۴۴ به دست اسماعیلیان کشته شد. از این قرن تا قرن دهم، امامانی در یمن به قدرت رسیدند ولی خیلی سریع شکست می‌خوردند. هر از چند گاهی امامی قیام می‌کرد و بر چند شهر مدتی حکومت می‌کرد ولی خیلی زود اقتدار خود را به خاطر جنگ‌های داخلی از دست می‌داد. در اواخر قرن ۱۰ هجری ترکان عثمانی به تدریج بر یمن مسلط شدند و عرصه را برای امامان زیدیه

تنگ کردند. پس از یک دوره اشغال یمن به وسیله حکومت عثمانی، امام دیگری از زیدیه به نام منصور بالله قاسم بن محمد که از نوادگان هادی یحیی بن حسین بود، در قرن ۱۱ با ترکان عثمانی وارد مبارزه شد و آنها را از یمن بیرون کرد. بیشتر امامان زیدیه از قرن ۱۱ تا دوران معاصر از نسل منصور بالله قاسم بن محمد بودند. پس از مدتی دوباره حکومت امامان زیدیه رو به ضعف و انحطاط گذاشت. به طوری که در اوایل قرن ۱۳ یمن بار دیگر به اشغال عثمانی در آمد. (العمری، ۱۴۱۸ه: ۱۵۲)

در سال ۱۳۰۷ محمد بن یحیی ملقب به حمید الدین، ادعای امامت کرد ولی نتوانست کاری از پیش ببرد. تا اینکه امپراطوری عثمانی در سال ۱۳۳۷ \ ۱۹۱۸ در جنگ جهانی اول از بین رفت و شرایط برای امامت فرزند حمید الدین مهیا شد و وی توانست بر یمن مسلط شود. پس از امام احمد، امام المنصور البدر به امامت رسید و مردم با وی بیعت کردند و در نتیجه امام قانونی یمن شد (فرمانیان و موسوی نژاد، ۱۳۸۶: ۹۰)

در سپتامبر ۱۹۶۲ کودتایی در یمن شکل گرفت. این کودتا توسط عبدالله سلال شکل گرفت. از آن زمان به بعد حکومت جمهوری در یمن اعلام شد و امامان زیدیه از عرصه قدرت کنار رفتند. پس از به قدرت رسیدن سرهنگ سلال، جنگ میان جمهوری خواهان و طرفداران امام البدر آغاز شد. جنگ چندین سال طول کشید. نیروهای جمهوری خواه به صنعا مرکز طرفداران امام البدر، حمله کردند. محاصره صنعا به دلیل مقاومت مردم، ۷۰ روز طول کشید. پس از چندی این نیروها با حملات هواپیماهای شوروی، موفق به درهم شکستن مقاومت صنعا شدند. پس از این حادثه امام البدر به شهر صعده عقب نشینی کرد. طولی نکشید که این شهر نیز به تصرف جمهوری خواهان درآمد و آخرین دژ مقاومت طرفداران امام البدر در هم شکست. (کتاب سبز، ۱۳۵۲: ۷۳)

در سال ۱۹۶۷ حکومت نسبتاً میانه روی به رهبری قحطان الشعبی در یمن جنوبی مستقر و استقلال آن کشور اعلام شد. با جدایی دو قسمت جنوبی و شمالی یمن از یکدیگر، «جمهوری دموکراتیک خلق یمن» در قسمت جنوبی و «جمهوری عربی یمن» در قسمت شمالی به وجود آمدند. در ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۹ رژیم چپ‌گرای جبهه قومی، زمام امور یمن را به دست گرفت و رهبری آنرا سالم ربیع علی بر عهده داشت. سالم ربیع علی تمایلات مائوئیستی داشت و یمن جنوبی را به طرف چین هدایت میکرد. لذا در سال ۱۹۷۸ طی یک کودتای خونین به وسیله

رهبران حزبی طرفدار شوروی، سالم ربیع علی سرنگون و به جای او حکومتی روی کار آمد که کشور را صدصد در اختیار شوروی قرار داد. (کتاب سبز، ۱۳۶۸: ۴۳)

در اکتبر ۱۹۷۸ مجلس قانون گذاری «جمهوری عربی یمن»، سرهنگ علی عبدالله صالح را از قبیله «حاشید» به عنوان رییس جمهور برگزید. او در سال ۱۹۸۳ بار دیگر از سوی مجلس قانون گذار برای یک دوره پنج ساله انتخاب شد. در نوامبر ۱۹۸۸ رییس جمهور یمن شمالی «صالح» و دبیر کل حزب سوسیال یمن جنوبی «علی سالم البیض» و «اریانی» موافقتنامه ای جهت اتحاد دو کشور به امضا رساندمد. در اول دسامبر پیش نویس قانون اساسی یمن متحد در ۱۳۶ ماده چاپ و منتشر گردید که مقرر شد در عرض ۶ ماه می بایست قانون گذاران هر دو کشور، پیش نویس قانون اساسی را به تصویب می رساندند و سپس به همه پرسی گذاشته می شد. پیش نویس قانون اساسی حاکی از آن بود که کشور متحدین به وسیله ۵ عضو شورای ریاست جمهوری اداره خواهد شد و پایتخت آن «صنعا» در نظر گرفته شد. قرار شد پس از طی این مراحل در نوامبر ۱۹۹۰ اتحاد دو کشور تحقق یابد. سرانجام با طی شدن این مراحل، در ۲۲ می ۱۹۹۰ اتحاد دو کشور عملی شد و دو یمن با یکدیگر متحد شدند و به نام «جمهوری یمن» کشور جدیدی به وجود آمد. روز بعد جلسه مشترکی در مجلس تشکیل شد و یک شورای ۵ نفره ریاست جمهوری را به ریاست «علی عبدالله صالح» انتخاب کرد. (کریملو، ۱۳۷۴: ۱۹۴-۱۹۰)

صالح از سال ۱۹۹۰ تاکنون رییس جمهور یمن باقی مانده است. او از سال های میانی دهه ۲۰۰۰ با ایالت متحده آمریکا و عربستان سعودی قرار داده های اقتصادی و نظامی به امضا رسانده است. این امر باعث نزدیکی یمن به آمریکا و عربستان گردید. شیعیان زیدیه در قسمت شمالی یمن با کشور عربستان هم مرز هستند در پی نزدیکی دولت صالح به عربستان، فشار بر شیعیان ساکن در این استان مرزی افزایش یافته است. نحوه حکومت علی عبدالله صالح از یک سو و آموزه های زیدیه از سوی دیگر منجر به شکل گیری جنبش الحوثی گردید که در زیر به آن پرداخته می شود.

۳- عوامل پیدایش جنبش الحوثی

جنبش الحوثی تحت رهبری خانواده ای به نام الحوثی است که اعضای خانواده از سادات می باشند. ریشه های جنبش الحوثی، به گروه های سیاسی و شبه نظامی باز می گردد که در اواسط سال ۱۹۹۰ توسط حسین الحوثی در قالب سازمان شباب المومن به فعالیت می پرداختند. پیش از فعالیت جنبش الحوثی، صلاح احمد در سال ۱۹۸۶ اتحادیه جوانان را تأسیس کرد و در آن به جوانان یمنی در مورد اصول انقلاب اسلامی ایران آموزش می داد. با گسترش اسلام سلفی در یمن که به دلیل رابطه نزدیک دولت صالح با عربستان بود، حسین الحوثی شروع به فعالیت کرد. (الخضری، ۲۰۰۷) حسین الحوثی از سال ۲۰۰۳ به طور فزاینده علیه اقدامات دولت سخنرانی می کرد و تظاهرات ضد دولتی و ضد آمریکایی را در یمن تدارک می دید. دولت در صدد مقابله با او شد. دولت علی عبدالله صالح در جریان دستگیری او در سپتامبر ۲۰۰۴، او را به قتل رساند. (Zimmerman & Harnisch, 2010)

سازمان شباب المؤمن از سال ۱۹۹۰ تأسیس شد که وظیفه آن تربیت کردن نوجوانان و جوانان زیدیه بود. با اتحاد دو یمن، سازمان شباب المؤمن در حزب الحق که یک تشکیلات سیاسی بود جذب شد. حزب الحق از سال ۲۰۰۲ وجهه ضد آمریکایی گرفت و در انتخابات پارلمانی و فعالیت های سیاسی شرکت می کرد. رفته رفته دامنه فعالیت الحوثی ها از استان صعده به استان ها و شهرستان های دیگر کشیده شد. از سال ۲۰۰۴ رویارویی مسلحانه و سازمان دهی مسلحانه علنی شد و جماعت حوثی که از سازمان شباب المؤمن بودند به میلیشهای نظامی تبدیل شدند. اگر بخواهیم به عوامل ظهور جنبش الحوثی ها بپردازیم باید این عوامل را به دو دسته تقسیم کنیم: عوامل داخلی و عوامل خارجی. آقای محمد احمد دغشی استاد دانشگاه صنعا در این زمینه می گوید: «عامل داخلی ریشه های سیاسی تشیع است که امامت را منحصر به نسل سادات فاطمی می داند. همان طور که بدر الدین الحوثی می گوید انتخاب و دموکراسی یک راه است اما امامت راه دیگر است و این نشان می دهد که در اندیشه های حوثی تعریف خاصی از مشروعیت سیاسی وجود دارد» (دغشی، ۱۳۸۸: ۴۲). در مبانی اندیشه های سیاسی زیدیه اصل پنجم را امر به معروف و نهی از منکر تشکیل می دهد و لازمه ایمان را به این اصل بر می گرداند و سرکشی و سرپیچی و شورش علیه هر حاکمی که به فسق و فساد اقدام می کند مجاز است، بنابراین مشاهده می شود که اعتراض به وضع موجود در آموزه های مذهب زیدیه وجود دارد. علاوه

براین چگونگی حکومت علی عبدالله صالح حاکم یمن مهم عاملی برای بروز بحران و شورش در یمن فراهم کرده است. نداشتن حق تأسیس مدارس دینی برای شیعیان، آزار و شکنجه و زندانی کردن شیعیان و علمای شیعی، جلوگیری از برگزاری مراسم و آیین‌های تشیع (مانند جشن غدیر) توهین به ارزش‌ها (مانند تخریب مساجد، و به آتش کشیدن علنی و قانونی کتاب‌هایی مانند نهج البلاغه و صحیفه سجادیه) از جمله محدودیت‌ها و تنگناهایی است که دولت یمن علیه شیعیان انجام می‌دهد. فقر اقتصاد و انجام نشدن عملیات عمرانی در مناطق زیدیه، از دیگر عوامل داخلی ظهور جنبش محسوب می‌شود.

عوامل خارجی هم در به وجود آمدن این جنبش نقش داشتند. از پیامدهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شکل‌گیری پیمان‌های نظامی با عنوان ضد تروریست با آمریکا در مناطق گوناگون جهان بود. یکی از این مناطق خاورمیانه بود که به عنوان مرکز بنیادگرایی اسلامی مطرح بود. دولت یمن به عنوان یکی از مهمترین هم‌پیمانان آمریکا در این پیمان‌ها قرار گرفت. حضور نیروهای نظامی و جاسوسی آمریکا در یمن اعتراضات فراوانی را به همراه داشت، مهمترین اعتراضات را حسین الحوثی در سال ۲۰۰۳ انجام داد. مهمترین اعتراض او این بود که چرا حکومت یمن اجازه داده است نیروهای نظامی در یمن مستقر شوند. نزدیکی دولت با آمریکا و عربستان، نفوذ بیش از حد وهابیون جزء اعتراضات حسین الحوثی بود. (Zimmerman & Harnisch, 2010) او معتقد بود نمازی که بعد از آن مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل گفته نشود مورد عنایت خداوند نیست و همیشه بعد از نماز فریادشان به این شعار بلند بود: «الله اکبر، الموت الامریکا، الموت اسرائیل، اللعنه علی الیهود، النصر الاسلام». بنابراین مشاهده می‌شود حضور نظامیان آمریکایی و نفوذ اسلام وهابی در یمن و نیز بعدها درگیر شدن عربستان با این جنبش از عوامل خارجی به وجود آمدن و طولانی شدن مبارزات این جنبش نقش داشته است.

عوامل داخلی:	عوامل خارجی:
۱- اندیشه‌های سیاسی زیدیه.	۱- حضور نیروهای نظامی و جاسوسی آمریکا در یمن.
۲- چگونگی حکومت علی عبدالله صالح حاکم یمن.	۲- حمایت عربستان از اهل تسنن در یمن و دخالت در امور یمن.
۳- محدودیت حکومت بر شیعیان.	
۴- فقر اقتصاد و انجام نشدن عملیات عمرانی در مناطق زیدیه.	

۴- جنبش الحوثی و جنگ‌هایش با دولت یمن

پایه‌گذار جنبش الحوثی‌ها، حسین الحوثی بود و اکنون رهبری فعلی آن عبدالمالک الحوثی برادر او است. حسین الحوثی در سال ۱۹۹۳ در انتخابات پارلمان یمن به نمایندگی مجلس انتخاب شد و تا ۱۹۹۷ نماینده پارلمان بود. پس از آن با تأسیس مراکز علمی و ادامه فعالیت‌های اجتماعی نقش چشمگیری در تربیت و پرورش نیروهای زیدی و غیر زیدی داشت. حسین الحوثی در سال ۲۰۰۳ و در اعتراض به نفوذ و حضور آمریکایی‌ها و اسرائیل در یمن دست به اعتراض زد. البته در کنار نفوذ و حضور آمریکایی عواملی چون محدودیت بر شیعیان و وضعیت اقتصادی حاکم بر مناطق شیعه‌نشین نیز در این اعتراض هم نقش داشت. استان صعده به کانون درگیری‌ها تبدیل شد و حسین الحوثی توانست قبایل زیدی را با هم متحد کند. جنگ‌های میان الحوثی‌ها و دولت یمن از سال ۲۰۰۴ آغاز شد. جنگ اول (۲۰۰۴): از سال ۲۰۰۳ و در اعتراض به حضور و نفوذ آمریکا در یمن، شعارهای سیاسی هر هفته بعد از نماز جمعه توسط جوانان زیدیه که از صعده به صنعاً رفته بودند، سرداده می‌شد که تعدادی از آنها توسط دولت دستگیر می‌شدند. این حرکت تا یکسال ادامه داشت.

دولت یمن که نتوانست این حرکت را کنترل کند، گروهی نظامی را برای دستگیری حسین الحوثی فرستاد. درگیری اول یمن سه ماه طول کشید و در این درگیری حسین الحوثی دستگیر و به شهادت رسید و حتی جسدش تحویل خانواده‌اش داده نشد. (مصاحبه عصام العماد، ۱۳۸۸) جنگ دوم (۲۰۰۵): پس از شهادت حسین الحوثی، پدر او آیت الله بدر الدین الحوثی، رهبری باقی مانده گروه را به دست گرفت. در زمان رهبری او جنگ دوم میان الحوثی و دولت در ماه مارس ۲۰۰۵ شکل گرفت و تا اوایل ماه آوریل طول کشید. عبدالله عاید الزواری رهبر نظامی جنبش را در دست داشت. در ژوئن سال ۲۰۰۵ الزواری تسلیم مقامات یمن شد و بدرالدین الحوثی به دیار باقی شتافت. دولت یمن در پایان این جنگ اعلام کرد که ۸۰۰ نفر از پیروان الحوثی دستگیر شدند. (Peterson, 2008:13)

جنگ سوم (۲۰۰۶): رهبری این جنگ بر عهده عبدالملک الحوثی (برادر حسین الحوثی) بود. در بهار سال ۲۰۰۶ دولت یمن ۶۰۰ تن از مبارزان را آزاد کرد و در زمستان همان سال مبارزان بر یک پایگاه ارتش چیره شدند و در پی این حادثه دولت مبارزه گسترده‌ای را آغاز کرد. بعد از جنگ بود که توافقنامه‌ای میان دو طرف بسته تحت نظارت امیر قطر بسته شد که دولت یمن متعهد شده بود تا مبارزان را آزاد کند، مناطق جنگی را بازسازی کند و با کمک کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل آوارگان را ساماندهی کند. همچنین دو طرف متعهد شدند تا عملیات نظامی را متوقف کنند و دولت یمن، الحوثی‌ها را باید می‌بخشید و اسیران دو طرف آزاد می‌شدند، حوثی‌ها هم باید سلاحهای خود را به ارتش بدهند.

جنگ چهارم (۲۰۰۷): در ماه مه ۲۰۰۷ با میانجیگری قطر، توافق آتش بس میان دولت و الحوثی امضا شد. این پیمان پس از چند ماه مورد نقض قرار گرفت و منجر به شکل‌گیری جنگ چهارم شد. (Peterson, 2008: ۱۶)

جنگ پنجم ۲۰۰۸: در پی یورش نیروهای ارتش به یکی از پایگاههای مبارزان ۶ نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی شدند و دور تازه‌ای از درگیری‌ها آغاز شد و سه روز پس از آن انفجار یک بمب در مسجد پس از نماز جمعه شمار زیادی کشته و زخمی شدند که دولت یمن انگشت اتهام را به سوی مبارزان برجا گذاشت، اما آنان این اتهام را رد کردند.

جنگ ششم (۲۰۰۹-۲۰۱۰): پس از حدود یک سال آرامش دوباره جنگ آغاز شد که این بار آمریکا، اردن و عربستان در آن نیز دخالت کردند. در ماه فوریه پیمان آتش بسی میان دو طرف امضا شد که این آتش بس بسیار شکننده است.

در پی مفقود شدن یک گروه جهانگردی آلمانی در استان صعده دولت یمن این کار را به الحوثی‌ها نسبت داد، پس از به قتل رسیدن این سه گردشگر دولت یمن الحوثی‌ها را تروریست خواند تا نظر آمریکا و غرب را برای اقدام علیه الحوثی‌ها جلب کند و جنگ ششم را به راه انداخت. این جنگ موجب کشته شدن ۱۲ هزار نفر و زخمی شدن ۲۵ هزار نفر شده است. (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۰)

۵- ریشه‌های جنبش الحوثی

دکمجیان در کتاب "جنبش‌های اسلامی در جهان عرب" چارچوب تئوری را برای شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی ارائه می‌دهد. که میتواند تا حدودی دلایل شکل‌گیری جنبش الحوثی در یمن را توضیح دهد.

دکمجیان، جنبش‌های بنیادگرایی اسلامی را همچون پدیده دوری در نظر می‌گیرد که به عنوان پاسخی به بحران اجتماعی حاد و فراگیری رخ میدهد. میزان و شدت عکس‌العمل بنیادگرایانه به عمق و فراگیرندگی محیط بحران بستگی دارد. این محیط بحران از ۶ ویژگی برخوردار است: بحران هویت، بحران مشروعیت، آشوب و فشار، تضاد طبقاتی، ضعف نظامی، بحران فرهنگ. این ۶ بحران باعث می‌شد که بنیادگرایان واکنشی را در برابر بحران اجتماعی از خود بروز دهند که به طرق زیر خود را نشان می‌دهد، الف) رهبری خردمندانه کاریزماتیک، متعهد به تغییر و تحول معنوی و یا انقلابی جامعه. ب) وجود یک ایدئولوژی معتقد به ظهور مجدد یک منجی و در بردارنده راهی برای نجات ارزش‌ها و عقاید و اعمال کهن (داشتن توان ایدئولوژی)، ایدئولوژی اعتراض علیه بی‌عدالتی اجتماعی و سیاسی. ج) گروه‌ها و طبقات اجتماعی مستعد پاسخگویی به درخواست بنیادگرایانه از طریق جهت‌گیری روانی، فرهنگی و مواضع خاص اجتماعی اقتصادی خود در جامعه و نظم (اقتصادی جهان. د) شخصیت بنیادگرا که تحت تأثیر محیط بحران و نفوذهای متقابل ایدئولوژی بنیادگرایانه شکل گرفته است. ه) گروه‌ها و جنبش‌های بنیادگرای تحت رهبری شخصیت‌های خردمند که نمونه رفتاری از التهاب و شور معنوی گرفته تا فعالیت انقلابی خود را جلوه‌گر سازند.

جنبش بنیادگرایی و رغبت آن به خشونت باعث عکس‌العمل و پاسخ حکومت به صورت سرکوب خشونت بار یا همسازی با جنبش و یا به همکاری طلبیدن آن می‌شود.

دکمجیان همچنین معتقد است که تکامل بنیادگرایی اسلامی تا حد زیادی در اثر عوامل خارجی شکل می‌گیرد. (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۰۵)

پس از تشریح تئوری دکمجیان سوال اصلی که مطرح میشود این است که آیا تئوری دکمجیان در رابطه با جنبش الحوثی‌ها صدق می‌کند؟ همان طور که گفته شد طبق این تئوری جنبش‌های اسلامی پاسخی به محیط بحران می‌باشند. شش بحران در محیط یمن به وجود می‌آید تا جنبش شکل گیرد. تامل در تحولات کشور یمن بیانگر این است که این محیط صاحب بحران های شش گانه می باشد که در پاسخ به آنها جنبش الحوثی شکل گرفته است.

بحران فرهنگ و بحران هویت: آنچه که در یمن رخ داده است نشان‌دهنده این است که دولت یمن اقداماتی را انجام داده است که برای پاکسازی فرهنگی و هویتی زیدیه بوده است. آیت الله بدرالدین الحوثی در نامه‌ای که ۵ سال پیش به آیت‌الله سیستانی نوشته بود می‌گوید: «این رژیم علاوه بر انهدام خانه‌ها، مدارس و آواره کردن هزاران خانواده با هدف قرار دادن اندیشه اهل بیت (ع) و ریشه کنی میراث آنان به سوزاندن برخی کتابخانه‌های خصوصی که دارای دست‌نوشته‌های منحصر به فردی از فرهنگ اسلامی است پرداخته است. این جنایت به آنجا رسیده که تمامی نسخه‌های دو کتاب ارزشمند نهج البلاغه و صحیفه سجادیه کاملاً از بین رفته است» (بدر الدین الحوثی، ۱۴۲۶ه). یحیی الحوثی در بیانیه ای اعلام کرد جنبش الحوثی مقاومتی است علیه هجوم فرقه سلفی به اصول شیعیان زیدیه. (Sultan, 2010:3)

بنابراین مشاهده می‌شود که دولت یمن در صدد مبارزه با فرهنگ اسلامی و هویت اسلامی زیدیه می‌باشد و اقدامات آنان فرهنگ و هویت این فرقه را مورد تهاجم قرار داده است و این خود باعث به وجود آمدن بحران شده است.

بحران مشروعیت: همان طور که گفته شد از قرن سوم تا اواسط قرن گذشته حکومت در دست زیدیان بود اما در سال ۱۹۶۲ و با اقدام کودتایی حکومت از زیدی‌ها پس گرفته شد. با متحد شدن دو قسمت شمالی و جنوبی یمن، علی عبدالله صالح قدرت را در دست گرفت.

زیدیه نسبت به حکومت صالح بدبین بوده و هستند و آن را موجب گسترش سکولاریسم می‌دانند. از سوی دیگر با نفوذ آمریکا و عربستان در دستگاه سیاسی دولت یمن، پایه‌های مشروعیت این دولت سست تر شده است. جنبش الحوثی بر پایه‌ی آموزه‌های دینی خود مشروعیت دولت صالح را قبول ندارد. این جنبش حکومت علی عبدالله صالح را به دلیل آنکه از تبار هاشمی نیست، مشروع نمی‌داند. (Zimmerman & Harnisch, 2010)

آنها معتقدند دولت باید در دست نسل فاطمی باشد. پس بنابراین هم به واسطه کودتا ۱۹۶۲ و هم نفوذ غربی‌ها در دستگاه سیاست دولت و هم به واسطه آموزه‌های خاص دینی زیدیه، دولت صالح از نظر آنها مشروعیت ندارد.

بحران ضعف نظامی: مهمترین اعتراض حسین الحوثی در سال ۲۰۰۳ و پس از نفوذ آمریکا در یمن به بهانه فعال شدن نیروهای القاعده در این منطقه مطرح شد. مهمترین اعتراض او این بود چرا حکومت یمن اجازه داده است نیروهای نظامی در یمن مستقر شوند. الحوثی‌ها معتقدند خود یمن قادر است که با تروریسم مداخله کند و نیاز به این نیست که نظامیان کشورهای دیگر در یمن حضور داشته باشند.

بحران تضاد طبقاتی: یمن از جمله کشورهای در حال توسعه و فقیر جهان است. بیش از ۴۳ درصد از جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این کشور وابستگی زیادی به کمک‌های خارجی و وام‌های بین‌المللی دارد. در طول چند سال گذشته، یمن به طور متوسط سالیانه ۲۰ تا ۲۵ میلیون دلار از آمریکا کمک دریافت کرده است. (Sharp, 2010) علیرغم اینکه این کشور از تولیدکنندگان نفت است اما کشوری فقیر باقی مانده است. در سال ۲۰۰۹ تولید نفت این کشور برای هشتمین سال پیاپی سقوط داشته است.

حوثی‌ها نسبت به فقر شدید در میان یمنی‌ها و به ویژه زیدیان یمن معترضند. استان صعده در عین اینکه از جمله ثروتمندترین استان‌ها در میان استان‌های یمن از نظر منابع طبیعی می‌باشد اما از فقیرترین استان‌های یمن است. عملیات عمرانی در این استان به کندی صورت می‌گیرد و شرایط سخت اقتصادی - معیشتی زیدیان یمن از نکات دیگری است که مورد نقد و اعتراض جنبش است.

بحران آشوب و فشار: از زمانی که دولت صالح در سال ۱۹۶۲ توانست به قدرت برسد فشارها و محدودیت‌ها بر شیعیان افزایش یافته است. دکتر عصام العمداد از علمای شیعه یمن در این باره می‌گوید: «دولت یمن به دستور ژنرال علی عبدالله صالح به مساجد شیعیان حمله کرد و تمامی کتاب‌های مقدس از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجادیه در صعده و صنعا جمع‌آوری شد و با کامیون به میدان مرکزی شهر صنعا برده شد و در برابر چشم مردم پایتخت به آتش کشیده شدند و نیروهای نظامی حملاتی به مناطق شیعه نشین داشته‌اند». (حسینی، ۱۳۸۸) زیدیان تحت همین فشارهاست که از حقوق مشروع خود نیز برخوردار نیستند. البته می‌توان از این فشارها اینگونه نتیجه گرفت که به دلیل آنکه علی عبدالله صالح خود نظامی است و با کودتا به قدرت رسیده

است، فشار و محدودیت های سیاسی و اجتماعی بیشتری را اعمال کرده است زیرا زمانی که نظامیان به قدرت میرسند محدودیت ها هم بیشتر صورت میگیرد.

بعد از اینکه این ۶ بحران از سوی دکمجیان مطرح می شود، او می گوید: «در برابر این بحرانها رهبری منجی، کاریزماتیک و فرهنگمند ظهور می کند که معتقد به تغییر و تحول معنوی و یا انقلابی جامعه است و با ایدئولوژی که علیه بی عدالتی اجتماعی و سیاسی گروه های طبقات اجتماعی را همراه خود می کند که این امر باعث عکس العمل و پاسخ حکومت به صورت سرکوب و یا همکاری طلبیدن می شود» (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۸)

آنچه که در یمن هم اتفاق می افتد می توان بر اساس این تئوری توضیح داد. حسین الحوثی که جنبش توسط او آغاز شد رهبری بود کاریزماتیک که توانست مردم را با خود همراه سازد. حسین الحوثی نگاه جامعی به تمامی جنبه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی در تربیت هواداران خود داشت. از طرفی دیگر تلویزیون رسمی یمن برنامه های دائمی را علیه حوثی و جریان او دارد ولی هنوز نتوانسته محبوبیت آنان را در میان مردم یمن کم کند.

حتی بعد از کشته شدن حسین الحوثی جنازه او را به خانواده اش هنوز تحویل نداده اند که وقتی از رئیس جمهور یمن در رابطه تحویل ندادن جنازه حسین الحوثی سؤال کردند او گفت آیا قصد دارید حرم مقدسی برای همه مردم یمن بسازید. این نشان می دهد که تا چه اندازه حسین الحوثی در میان مردم یمن محبوبیت دارد که حکومت یمن حتی بعد از مرگ او از آن می ترسد. (مصاحبه عصام العمامد، ۱۳۸۸) روایت بسیار موثقی درباره قیام یک رهبر شیعه یمنی در آخر الزمان وجود دارد که با جنبش ایرانیان نیز هماهنگ است. آنچه که در روایات آمده است قیام مردم یمن در ظهور حضرت مهدی (عج) نقش بسیار تعیین کننده ای را دارد و در واقع زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (عج) می شود (کورانی، ۱۳۸۳: ۱۷۰) می توان این گونه برداشت کرد که همراهی مردم یمن و استقبال شیعیان سراسر جهان از جنبش الحوثی تا حدودی مربوط به همین مسئله است. ایدئولوژی که در میان جنبش الحوثی ها می باشد معتقد به ظهور یک منجی و اعتراض علیه «بی عدالتی و به دست آوردن حقوق مشروع» است. روایات اهل بیت در رابطه با نقش قیام یک رهبر شیعه یمنی در آخر الزمان در ظهور حضرت مهدی (عج) سبب شده است تا جنبش الحوثی مورد توجه ویژه شیعیان یمن قرار گیرد. پاسخ حکومت یمن به این جنبش سرکوب خشونت بار و بی رحمانه مردم است. حکومت یمن به واسطه داشتن حمایت آمریکا و عربستان از خود به سرکوب بی رحمانه جنبش الحوثی روی آورده است و در واقع

دولت یمن در برخورد با جنبش الحوثی می‌توانست از گزینه‌های دیگر همچون به همکاری طلبیدن آنها، گفتگو و صلح، اجرا کردن درخواست‌ها و حقوق آنها استفاده کند اما این دولت در عوض به سیاست به کشتار شیعیان و این جریان روی آورده است.

۶- نتیجه‌گیری

جنبش شیعی الحوثی خواهان بازگشت حقوق از دست رفته شیعیان، استقلال و عدم وابستگی یمن به غرب و کشورهای منطقه می‌باشد. برخی عوامل داخلی و خارجی در شکل‌گیری جنبش الحوثی نقش داشته است. عوامل چون نداشتن مدارس دینی برای شیعیان، آزار و شکنجه و زندانی کردن شیعیان و علمای شیعی، جلوگیری از برگزاری مراسم شیعیان و توهن به ارزش‌های زیدیه از جمله عوامل داخلی می‌باشد. از سوی دیگر حضور نفوذ آمریکا در یمن که به منظور مبارزه با تروریسم حضور خود را توجیه می‌کند از جمله عوامل خارجی در شکل‌گیری این جنبش بوده است. در کنار این عوامل مبانی اندیشه سیاسی در مذهب زیدیه، که تعریف خاصی از مشروعیت سیاسی به دست می‌دهد، در شکل‌گیری و تداوم این جنبش نقش موثری داشته است. بر اساس آموزه‌های مذهب زیدیه حکومت باید در دست امامان زیدیه باشد. فقر اقتصادی که در مناطق زیدیه نشین در یمن مشاهده می‌شد از نکات قابل توجه است. دولت‌های غربی و همچنین عربستان از ترس روی کار آمدن دولت بنیادگرای دیگری در منطقه خود را وارد جنگ با این جنبش کرده‌اند و در صدد هستند که به همراه دولت این جنبش را سرکوب کنند.

بر اساس آنچه که در این پژوهش گفته شد این جنبش بر اساس تئوری دکمجان، ویژگی‌های جنبش اسلامی را دارا می‌باشد. بحران مشروعیت، آشوب و فشار، تضاد طبقاتی، ضعف نظامی و بحران فرهنگ همگی در به وجود آمدن محیط بحران در یمن تأثیر داشته است و در پاسخ به این بحران‌ها نیز رهبری فرهمند (کاریزماتیک) که همان حسین الحوثی باشد در یمن ظهور پیدا کرد.

کتابنامه الف - منابع فارسی

- انصاری قمی، حسن، (۱۳۸۰)، «زیدیه و منابع مکتوب امامیه»، مجله علوم حدیث، شماره: ۲۰.
خضیری احمد، حسن، (۱۳۸۵)، «دولت زیدیه در یمن»، مترجم احمد بادکوبه مهزازه، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دکمجیان، (۱۳۶۶)، «جنبش‌های اسلامی در جهان عرب»، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان.
صالحی، محمد رضا، (۱۳۸۸)، «همیشه در ایواریسیون»، هفته نامه صبح صادق، شماره ۴۲۹.
دغشی، محمد احمد، (۱۳۸۸)، «تبارشناسی الحوثی‌ها»، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۷۰.
کورانی، علی، (۱۳۸۳)، «عصر ظهور»، ترجمه مهدی حقی، انتشارات حوزه علمیه قم.
کریمان، حسین، (۱۳۶۴)، «سیره و قیام زیدبن علی»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
مظفر، علامه محمد حسین، (۱۳۶۸)، «تاریخ شیعه»، ترجمه محمد باقر حجتی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کریملو، داوود، (۱۳۷۴)، «جمهوری یمن»، انتشارات وزارت امور خارجه
آیت الله سبحانی، جعفر، (۱۳۸۲)، «فروع ابدیت»، جلد دوم، قم: انتشارات بوستان کتاب قم، چاپ هیجدهم.
- جعفری، سید حسین محمد، (۱۳۷۲)، «تشیع در مسیر تاریخ»، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، نشر فرهنگ اسلامی.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، (۱۳۳۵)، «الملل و النحل»، ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی، انتشارات مهر آیین.
- فرمانیان، مهدی و سید علی موسوی نژاد، (۱۳۸۶)، «زیدیه»، نشر ادیان
موسوی نژاد، سید علی، (۱۳۸۴)، «ترث الزیدیه»، معهد دراسات الادیان و المذاهب الاسلامی
کتاب سبز جمهوری عربی یمن (۱۳۵۲) اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه
کتاب سبز یمن جنوبی (۱۳۶۸) انتشارات وزارت امور خارجه
نوبختی، ابومحمد، (۱۳۵۳)، «فرق الشیعه»، ترجمه محمد جواد مشکور، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

ب- منابع عربی

بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۲۷۰هـ)، «صحیح بخاری»، مجلد الخمس، دارالفکر
طبری، ابو جعفر، (۱۳۴۶هـ)، «تاریخ الرسل و الملوك»، مجلد الثاني، دارالمعارف بمصر
الخصری، انور قاسم، (۱۴۲۹)، «من درسه بعنوان: تمرد الحوثی فی الیمن و ابعاد التحالف الشیعی
الامر یکی فی المنطقة»، منشور بمركز الجزيرة العربیة للدرسات و البحوث
العمری، حسین عبدالله، (۱۴۱۸)، «التاریخ الیمن و المعاصر (۹۲۲-۱۳۳۶ هـ.ق)»، دار الفکر المعاصر

ج- منابع انگلیسی

Sultan, nabil.(2007) “Yemen: ANTI-U.S. MILITANTS INCREASE ATTACKS ON REGIME’S FORCES” *Global Information Network*. New York: Feb 26.

Peterson, J.E.(2008),”the al-huthi conflict in Yemen” Arabian Peninsula Background Not, No.APBN-006.published on www.JEpeterson.net.

Zimmerman,katherin and Chris Harnisc(2010),h. “Al Houthi Movement” January 28,2010. Available: [http:// www.criticalthreats.org/yemen/profile-al-houthi-movement](http://www.criticalthreats.org/yemen/profile-al-houthi-movement)

Jeremy M. Sharp(2010), “Yemen: Background and U.S. Relations” Specialist in Middle Eastern Affairs, November 1,2010. Available: <http://fpc.state.gov/documents/organization/152043.pdf>

د- منابع اینترنتی

<http://www.jafari042.com>
<http://www.strategicreview.org>
<http://almajalis.org/forums/viewtopic.php>